

صورت‌مَشْرُوح

مذاکرات مجلس

(بدون مذاکرات قبل از دستور)

شنبه ۱۷ آذرماه ۱۳۱۳ - ۳۰ شعبان ۱۳۵۳

شماره مسلسل : ۶۵۹

قیمت اشتراك { سالیانه : ۱۰۰ ریال
داخلة : ۲۰ ریال } تك شماره : دو ریال

مطبعة مجلس

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز شنبه ۱۷ آذر ماه ۱۳۱۳ هـ (۳۰ شعبان ۱۳۵۳)

فهرست مذاکرات

- (۱) تصویب صورت مجلس
(۲) شور اول لایحه انشاء مالیات ارضی
(۳) شور اول لایحه اصلاح قانون مالیات بر عایدات
(۴) موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

(مجلس دو ساعت و ربع قبل از ظهر برپاست آقای دادگر تشکیل گردید)

صورت مجلس روز پنجشنبه پانزدهم آذر ماه را آقای مؤید احمدی (مفشی) قرائت نمودند

[۱ - تصویب صورت مجلس]

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست ؟ (اظهار شد - خیر) صورت مجلس تصویب شد .

[۲ - شور اول لایحه انشاء مالیات ارضی]

رئیس - خبر از کمیسیون قوانین مالیه راجع به انشاء مالیات ارضی قرائت میشود :

خبر کمیسیون

کمیسیون قوانین مالیه لایحه نمره ۳۵۵۹۵ دولت راجع بانشاء مالیات ارضی را با حضور آقای وزیر مالیه تحت شور قرار داده و با اصلاحاتی مواد ذیل را تنظیم نموده اینک خبر آنرا برای شور اول تقدیم مینماید :

ماده ۱ - از تاریخ اجرای این قانون مالیات ارضی و دواب ملکی و بجای آن بتدریب مقرر در مواد (۲) و (۳) مالیات از عایدات گرفته میشود .

ماده ۲ - مالیات از عایدات مذکور در ماده فوق بتدریجی که محصولات ارضی و حیوانات و مواد حیوانی داخله برای مصرف بشهرها یا قصبهات وارد ریا اربملکت صادر میشود وصول و از قرار سه در صد قیمت جنسی خواهد بود که وارد شهر یا قصبه و یا از مملکت خارج میگردد هر جنس فقط یک مرتبه مالیات خواهد پرداخت
ماده ۳ - تعرفه مالیات اجناس مصرف داخلی مشمول این قانون بر اساس سه در صد قیمت به تناسب وزن یا

این مذاکرات مشروح بکصد و دوازدهمین جلسه از دوره نهم تقنینیه . (مطابق دستور داند ماه ۱۳۱۵)

دایره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده :

غائبین بی اجازه - آقایان : علوی - سیزداری - امیر ابراهیمی - اعظم زنگنه - امامی خوئی - دکتر ادهم - پونس آقا وهازاده کورس - معقل - یوز سرنجیب .
دیر آمدگان بی اجازه - آقایان : اسدی - ملهراچی - حاج تقی آقا وهازاده - شریعت زاده .

تعداد و بطور مقطوع برای هر سال معین میگردد
تا اول اسفند هر سال تعرفه سال بعد بتصویب هیئت
وزراء رسیده و اعلان خواهد شد مالیات اجناس صدور
بریال نفره گرفته میشود
تظامنامه اجرائی مواد نسوی بتصویب هیئت دولت
خواهد رسید
ماده ۴ - نسبت به بنایابی مالیاتی که به موجب این
قانون ملغی میشود و باز خرید منال خالصکی ترتیب قبل
مقرر میگردد:
الف - از مؤدبان که تا آخر شهریور ۱۳۱۴ ترتیب
تصفیه حساب مالیات گذشته خود را طبق نظامنامه های
وزارت مالیه ندهند بدهی تا آن تاریخ و جریمه ای معادل
دو بدهی علاوه بر جریمه قانونی گرفته خواهد شد
ب - از صاحبان خالصجات انتقالی که منال ملك خود
را تا آخر اسفند ۱۳۱۴ مطابق مقررات باز خرید نکنند
قیمت منال بملاوه جریمه ای معادل ربع آن وصول خواهد شد
ماده ۵ - این قانون از اول برماه (۱۳۱۴) بموقع
اجرا گذاشته میشود.
اقساط مالیاتی مخصوص ۱۳۱۴ که مطابق مقررات
قبل از غیر قابل مطالبه بوده مطالبه نخواهد شد
دقیق - آقای مؤید احمدی.
مؤید احمدی - حقیقه بنده جلسه امروز مجلس را
یکی از جلسات تاریخی بزرگ میدانم و حقیقه يك لغتی
در لایحه دولت دیدم بسیار لغت عالی بود و آن این بود
مالیات کهنه حقیقه کهنه ترین مالیاتها در ایران این
مالیات بود و بقدری این مالیات موجب اذیت در قسمت
مالك و رعیت بود اگر کسی بخواهد شرح این را نقل
کند يك مجلس و دو مجلس کافی نیست. این مالیات
مالیات ارض آنچه بنده توانستم تحقیق کنم از خیل
وقت پیش در ایران بوده است تنها شکلی فرقی کرده از
زمان ساسانیان مالیات جزء جمعی در ایران بوده دلیل
تاریخی هم دارد و رفتی هم که اعراب بر ایران استیلا
پیدا کردند چون اطلاع داشتند از وضعیت مالیات و اکتاف

دریست و بیست هزار تومان نقد و دو بیست هزار خروار
جنس مالیات کتایچه اش بود و صد وسی و هفت هزار
تومان تفاوت عمل بود که حکام میبایست وصول کرده
بدهند. مجلس دوره اول که تشکیل شد يك رالی دادند
که تفاوت عملها جزء عمل شود در حلقی که تفاوت عمل
باصطلاح خودشان پول چوب و فلک و پول محاکمات
بود ولی سر جمع مالیات کردند و آنوقت يك زحمتی برای
مردم نواید شده بود که حد نداشت خدای واحد
شاهد است کویا کتایچه اش در وزارت مالیه باشد و
مخصوصاً تذکر میدهم که آقای وزیر مالیه توجه بفرمایند
رجوع بفرمایند که مال جبرفت کرمان در سنه ۱۳۲۷
از بس مردم داد زدند خدا گواه است يك ده را آتش
زده بودند مامورین مالیه و چند نفر زن و بچه کشته
شدند به حکومت کرمان از طهران تلگراف کردند و او
آدم فرستاد آنجا رفتند و از روی شاهی هشتم شاهی
از رعیت مالیات گرفتند یعنی مالیات بلوکی اگر يك
شاهی بود هشتم شاهی مالیات گرفتند و يك عده دیگر
هم در کرمان بودند يك دسته خوانین با هم خوانین فاجار
که آنها فرمانی داشتند که از شاهی چهل شاهی بیشتر
ندهند در صورتیکه هر چه تفاوت عمل میشد بار رعیت
میشد این بود که واقفان دولت دید وصول این مالیات
هر سال بقایا دارد مردم نداشتند بدهند و دقت بقایا
زیاد میشد دو بیست و سیصد هزار تومان بقایای فلان
محل در حالی که تا اندازه که ممکن بود میگرفتند از رعایا
آنچه که ممکن بود میرفت جزء بقایا بدهم آمد و دولت دید
که این مالیات بد وصول است مالیات ممیزی را برقرار
کردند که باین شکل بشود که دهات ممیزی بشود و بعد
از ممیزی صدی سه و نیم مالیات بدهند حالا دولت چقدر
زحمت کشید اداره عایدات دائره ممیزی درست کرد
بررید در سیه ها را به بینید يك ملبون و خرده خرج
ممیزی شد بلکه بیشتر حالا این ممیزی برای مردم چقدر
اذیت داشت مخصوصاً اگر دقت بشود در بعضی جاها که

رعیت بد بخت بودند آنجا را بالا بردند و زیاد کردند
از آن جالی که بعدش آمدند در دیوان جزای عمل دولت
بد نیست که بگویم پراشان دادند کم نداشتند بعد آوردند
آنها را در دیوان جزای عمل دولت محاکمه کردند و
چند نفرشان محکوم شدند ولی هر مالکی که بیداد با
بیچاره و بد بخت بود مالیات او را زیاد معین میکردند و
امروز حقیقه که در دوره سلطنت اعلیحضرت پهلوی که
همه چیز ما رو به تعالی و ترقی رفته است این یکی از
فدههای خوب دولت است که امروز حقیقه باید جامعه
ایرانی جشن بگیرد و عید بگیرد بقیه بنده بهات این که
يك اشکالانی در کار وصول بود که دولت چاره نداشت و
دولت ابتدا میل نداشت يك فقر رعیت اذیت بشود اما
علاج نداشت در صورتیکه قانون وضع شده بود که
مؤدبان مالیات خودشان را بیارند در شهرها
بدهند مالکین بزرگ همین کار را میکردند اما
آقا تمام ایران خرده مالک است دهان کوچک است
خدا گواه است که من یکسالی در کوهپایه کرمان
بودم این چهارصد تا ده پنجاه هزار تومان مالیاتش است هر
دهی ده تومان ، بازده تومان ، هفت تومان ، هشت
تومان و این قسمتها که خرده مالک است بهر یک نفر
رعیت سه فران مالیات تعلق میگردد و برای این سه
قران مالیات او نمیتواند باید اداره مالیه و یک نفر
تحصیلدار برای وصول که بیرون خیلی هم آدم عادل و
درستکاری که باشد لیکن شام که میخواهد نهار که
میخواهد اسپش جو میخواهد مجبور است در روز چست
روز آنجا بماند تا این مالیات جمع کند هفت تومان که
از این ده مالیات گرفتند پنج تومان بر عبت صده خرده
است میتوانم بگویم که امروز این لایحه نصف اهالی
ایمملکت را راحت کرده است و همه باید دعاگوی
شخص اعلیحضرت پهلوی باشند و هیئت دولت که داخل
این اقدام شده این لایحه بزرگ را آورده اند خیلی قبل
تقدیر و تشکر است (صحیح است) بنده دوسه مطلب
جزئی بود که بخواستم ایضا آقای وزیر مالیه توضیح
بفرمایند یکی راجع باین قضیه بود که فردا يك اختلافی

میشود چون باید این مالیات را در شهرها و قصبات بگیرند که امروز که دولت در نظر دارد این ارفاق را نسبت برعکس بکند که نوده ملک در حقیقت آنها هستند و اکثریت با آنهاست و آنها تولید کننده ثروت در این مملکت هستند همانطور که دولت در نظر دارد آنها را کاملاً راحت کند کاملاً معلوم باشد که قصبات چه جالی است چون قصبه لفظ عمومی است و معلوم نیست چه جور جالی اطلاق میشود. این یک موضوع موضوع دوم که بنده میل داشتم که آقای وزیر مالیه توضیح بفرمایند راجع به بعضی اجناس است در ایران که در هر شهری قیمتش معلوم است مثل گند و جو و حبوبات و گاو و الا با یک تومان با این مانی ندارد ولی یک اجناسی هست که قیمتهاش در هر موقع فرق میکند وقتی که آنها وارد میشود با آنها چه ترتیب معامله میشود مثلاً یک محصولی دو ماه بعد از نوروز قیمت عالی داشته باشد و سه ماه بعد از نوروز خیلی پست شود از اینجور محصولات زیاد است که حالا بنده نمیخواهم اسم برم اینها را باید البته در نظر گرفت که وقتی که قیمت و طبقه بندی میشود مردم زحمتی وارد نیاورد و یک تذکری هم اینجا بنظم آمد گرچه مربوط باین لایحه نیست لکن بنده میخواهم با آقای وزیر مالیه تذکراً عرض کنم که یک فکری فرماید برای این سینهها که این سینهها یک پولهای زیادی از مردم میگیرند (صحیح است) ولی آن اندازه مالیات نمیدهند بدولت گرچه سینهها جزء فضول عین است و جزء زندگانی اساسی بشر نیست و قریبی است ولی خوب مردم میروند اما قیمت را بدردی گران کردهاند و قدری پول از مردم میگیرند که حد ندارد و اگر رجوع فرماید آن قیمتی که آوردهاند دختر را چند پول از این مردم برد آنوقت بدولت چه داد ؟ هیچ آنوقت یک فیلمهای منافی اخلاق و منافی عفت هم درش هست که البته باید منع شود.

ولی بر مالیه (آقای داور) - همانطور که نماینده مجتهد فرمودند البته این مالیات یکی از بدترین مالیاتهای که ممکن است تصورش را کرد بود و در سال قبل البته خاطر آقایان محترم هست که بنده در همین مجلس

پرسش آقایان رساندم در موقعیکه قانون فروش خالصجات در مجلس مطرح بود که از طرف اعلیحضرت هدایتی به بنده مأموریت مخصوص داده شده است برای اینکه راجع باین مالیات ارضی یک مطالعه بکنم ولیکن بنده برای اینکه سال اول کارم در وزارت مالیه بود و با یک احتیاطی لازم بود که در کارهای مالی اقدام شود خواستم یک قدری زمان بگذرد و مطلب حل شود و بهتر و با مطالعه اینکار بشود والا از روز اول هم این امر شده بود و عینش هم همان نکاتی بود که آقای وزیر احمدی فرمودند البته وصول این مالیات با آن طرزى که طبعاً در وصولش هست بنی باید با قساطر متعدد گرفت و یکمرتبه نمیشود از مؤدی گرفت و مالیات را وصول کرد اگر میخواهد در اول بدست آمدن محصول بگیرند که هنوز محصول فروش زفته است و پول ندارند اگر بخواهند در آخر محصول بگیرند محصول را فروخته است و پولش را خرج کرده ناچار موعده فرار دادند که با قساطر گرفته شود و بطوریکه آقایان هم میدانند و نماینده محترم ذکر کردند اکثر از مؤدیان خودشان نمی توانستند و آوردند و یکمده زیادی از مأمورین دولت باید فرستاده شود برای اینکه در یکمواقع و مدت معینی در چندماه معین باید در تمام این دهات بروند و مالیات بگیرند البته تمام عایدات این مالیات را که نمیشد خرج وصولش کرد بنابراین این مأمورین حقوقشان هم در اغلب مواقع طبعاً حقوق زیادی نبود و نمیتوانستیم حقوق زیادی بهشان بدهیم برای اینکه تمام این مالیات را نمیتوانستیم خرج وصول کنیم میبایستی که با آن عده زیاد وقتی که شخصی میخواهد وصول کند یک مبلغ کمی باید خرج کند یعنی بهر کسی زیاد حقوق ندهد و این طبقه اشخاص هم معلوم است که باید حقوق کمی حاضر شده اند و بروند البته این اشخاص دارای یک معلومات خیلی زیاد و تحصیل فوق العاده و سابق اداری خیلی صحیح و مرتبه های خیلی بلند نمیتواند باشند همانطور که در مقدمه لایحه عرض کرده ام وزارت مالیه نمیتوانست در انتخاب آنها مشکل بسند باشد نه این است که بخواست

بگذارد هر چه میخواهند بکنند بکنند تا اینکه هر چه وزیر مالیه باشد که نظرش این باشد ولی بعضی امور هست اعم از اینکه شما بخواهید یا نخواهید بحکم طبیعی جریان خودش را پیدا میکند وقتی شما یکمده زیاد مأمورین را با حقوق نسبتاً کم میخواهید یکمده زیادی از دهات که فرسخها فاصله دارد ناشرها بفرستید و بزرگ کار ایند مأمورین هم باید عده مردم بی سواد و بیچاره باشد معلوم است که نه آن مؤدی اصلاً میدانند که چقدر باید بدهد و نه اینکه اگر دولت و مأمورین وصول بخواست بیشتر ازش بگیرد او وسیله بهر چه دارد برای این که این تا بخواهد بیاید یک شهری بعد از آنجا مأمورین معین شود یا نشود برای رسیدگی بعد اگر اینستادگی کنند و بمرکز ناظران رجوع شود بعد از مرکز مفتش بفرستند و رسیدگی کنند با اندازه وقت آن رعیت گرفته میشود و بعد از کار و زندگی زراعتش از دستش میبرد و با اندازه صدقه می خورد که بهتر این است که هر چه میگویند بدهد و هیچ نگویند و مسلماً با این ترتیب عمل این مأمورین نمیشود هیچوقت مورد رسیدگی واقع شود و هیچوقت قابل کنترل و نظارت نمی توانست بشود هر قدر هم معین نیست جز مرکز کار و وزارت مالیه باشد.

با این بیاناتی که عرض کردم ما بایستی طرز عمل را اصلاح کنیم بدهیم و این مالیات را اصلاح کنیم و به شکل دیگری باید وارد این کار بشویم و بیک شکل دیگری میخواهیم جریان کنیم تا اینکه از این صدمه که بمردم میرسد جلوگیری نکنیم و مردم را راحت کنیم. این بود که امر داده شد که مطالعه کنیم و این مالیات را ملاحظه کنیم و هیچ عملی هم بهتر از این که نظر شود فایده نداشت و هیچ چاره جز این نیستیم فرض بفرمایید امسال بانصد نظر را هم تعدیل دیوان اجرا بدهید خوب بانصد نظر دیگر هم که جایش می گذاشتید بعد از شش ماه به همین روز می افتاد. حالا بر می گردیم (کسی که مخالف در اصلاح نیست) این اندازه که بنده توضیح دادم برای این بود که افکار اشخاصی که در خارج هستند روشن بشود که این امری که داده شد درست است و بنده سهم بخورم

آورده ام و قوه مقننه که بخواهد اظهار نظر کند و رأی بدهد برای راحتی مردم زحمت کش و لایحه ای از مردم است که مخصوصاً زن بنده این مملکت هستند یعنی فلاحتین مملکت و چقدر برای آنها زحمت داشت. حالا آمدیم سر قضیه یعنی در سه موضوع که فرمودند یکی قصبه و یکی قیمت بعضی اجناس اما قصبه تصور میکنم سابقه دارد قصبات راجع به یک قانونی بود در کبسون قوانین مالیه با کمیسیون داخله که قصبات را معین کردند گویا در قانون بلدیه سابقه بود (افسر - قانون تبایح) در هر صورت اگر علاوه از آن یک قصباتی پیدا شود آن را هم خواهیم آورد البته با یک صورت های صحیح و قطعی که مأمورین وزارت مالیه دارند این قسمت البته در نظر گرفته خواهد شد و بنهایی بدست مأمورین وزارت مالیه که قدری سبیل هستند از نظر جمع عایدات که بعضی نقاط را در نظر بگیرند نخواهیم گذاشت و اگر قصبه تازه بخواهد ایجاد و اضافه شود آنها را بدقت رسیدگی زیادی خواهد بود که دهات جزء قصبات نشود و اگر میخواهیم اینکار را بکنیم و این مقصود را داشته باشیم این پیشنهاد لنورا اصلاً نبی آورده ام. راجع به قیمت اجناس هم که فرمودید در ظرف سال قیمتش فرق میکند حالا مثالی که بنده بنظم میرسد خیابان در اول فصل و نور آنجا آنوقت که دیگر همه بخور میشود یک قیمت ندارد و البته قیمت و زراد هم نمی آیند برود قیمت روزهای اول در نظر بگیرند و در این طور چیزها همیشه قیمت متوسط آن فصلی است که واقفاً معمولی و عادلانه است که همه میتواند بخورند و البته آن فصل را در نظر میگرداند والا اگر در اول فصل آذنی اورنگ چهارتا خیار که یکی دو قران قیمتش است بخرند و بخورند این دلیل بر این نیست که تمام مردم قوه خیار خوردن در آن فصل را داشته باشند معلوم است مقصود از فصل فصلی است که بیشتر مصرف میشود و آن موقع را در نظر میگیرند اما راجع به سینهها که فرمودید ارتباط با این لایحه هم

ندارد و فقط برای تذکر فرمودند عرض میکنم که
اولاً سبهاها مالیات بر عایدات میدهند اینطور نیست
که مالیات ندهند و تمام را خودشان استفاده ببرند البته
استفاده میکنند و بدولت هم میدهند علاوه بر این گویا
پادیه‌ها هم بکمالیاتی از نمایندها و سینماها می‌گیرند
و بعد از این تذکری که دادند درش دقت خواهیم کرد
می‌بینم آیا لازماًست باید چیز بیشتری گرفت یا این
که اگر آنها بکمالیاتی میکنند قیمت را کمتر
بکنند البته آقایان تصدیق دارند و خودشان هم تصدیق
دارند که بالاخره از برای این مردم سبها هم لازم
است و باید این قسمت را در نظر گرفت که هر کس
با بک قیمت کسی بتواند بیط بخرد و البته این نکات
را هم در نظر خواهیم گرفت و بجای آنکه بیشتر مروطات
پایینکار تذکر خواهیم داد.

بعضی از نمایندگان... مذاکرات کافی است.

رئیس - آقای روحی.

روحی - عرض کنم که بنده مختصر سؤالی
داشتم همانطور که تذکر دادند غالب آقایان نمایندگان
و اکثریت جامعه مملکت تشکر دارند که بک همین
قانونی را بمجلس آورده‌اند و واقعاً هم باید تشکر گذاری
کرد که آن طبقه مردم که اکثر در این مملکت میکنند
راحت خواهند شد این ارفاقی شده است ولی میخواستم از
آقای وزیر مالیه سؤال کرده باشم و آن این است که
راجع بقوات ورودخانه ها که در جنوب مبتلا به مردم
است و دولت هم گاهی شده است مالیاتی از ورودخانه‌ها
یا قوت می‌گیرد در صورتیکه قوت ورودخانه مالی
است که ملک مردم است و در این قانون تذکری از این
قسمت نشده است خواستم ببینم که اینها هم معاف و
مستی است یا خبر والا ورودخانه مالی که مال خود
دولت است و بفروشد البته باید از حق خودش استفاده
کند ولی نسبت بقوات و چشمه‌ها و آسیاها چون در
این لایحه ذکر نشده است توضیحی فرمایند.

وزیر مالیه - تنها در جنوب نیست در قسمتهای

دیگر ایران هم هست فقط بطور خلاصه عرض میکنم
که دوسه تا رودخانه است که مال دولت است مثل

ولو با غن و اغماض يك مقدار از مالیه و عوائل این بود
که این قانون را آورده‌اند ولی بنده معتقدم که در این باب
باید توضیحاتی داده شود که این تماس کمتر باشد و
اگر هم تماس کردند کمتر باشد و آن این است که مالیات
را از چه وجه و بجه نحو خواهید گرفت در موقعیکه وارد
قصبه یا شهری میشود البته این خیلی خوب است اگر
چه در این قسمت مقداری مالیات بدهد برزگر هم هست
ولی فرضاً وقتی بک جنس داخل قصبه شد که بفروش
برسد آنجا اگر فروش رفت و خواست آن را به شهر
دیگر حمل کند که چه قانون می‌گیرند این مالیات يك
دفعه نادیده میشود ولی کیفیت که تشخیص بدهد این
جنس که وارد شهر میشود و بک دفعه مالیاتی را داده
لا بد خواهند گفت جواز باور میدهند و آن جواز را ارائه
میدهند و می‌گیرند من متلاً در میانج با مردم با سمنان
قالینم را داده‌ام حالا میخواهم جنس را بطهران یا
نبریز ببرم و بفروشم . این باز آسان است . ولی اشکال
وقتی پیدا میشود که جنس متلاً وارد شهری شده فرضاً
صد خرورار سی خرورار آنرا اینجا فروخت و برای بقیه
مشتری پیدا شد و خواست ببرد جای دیگر . آتوقت
تشخیص این مسئله کار مشکلی است . او می‌گوید من
مالیات سی خرورار را داده‌ام مأمور خواهد گفت قبول
نمیکتم . صاحب جنس خواهد گفت من مالیات داده‌ام
بالاخره باز این تماس بین رعایا و مأمورین واقع میشود
این مورد را بگفته‌اند چه میشود . خوبست طرفی
پیش بینی شود که این اختلافات رفع شود . یکی هم
در قسمت طواحين است . اسمی از طواحين برده شده
است . طواحين در قسم است یکی طواحينی است که
اطراف شهر ها است و آن جزو مستغلات است و حکم
مستغلات را دارد . یکی هم طواحينی است که در خود
دهات است که برای همان ده کار میکنند این چا اسمی
از طواحين برده شده و فردا باز برای گرفتن مالیات
طواحين مأمورین با زارعین در تماس خواهند بود .
این هم باید توضیح شود . بکسی هم راجع به حقایق

بعضی رودخانهها و نهرها در بعضی ولایات مخصوصاً در
مراغه و مرند است که اینها خاصه نیست . و مزارع
حقایق دارند . سابقاً بعضی‌ها برای دخل خودشان بک میرابانه
ایجاد کرده بودند کم آن میرابانه بزرگ شده مالیات شد حالا
بکمالیاتی از زمین می‌گیرند و بکمالیاتی دولت بتوان
حقایق از رودخانه می‌گیرد در صورتیکه خلاصه هم نیست
آیا آنهم این جا مالی می‌شود یا باز مأمورین خواهند
رفت و متلاً از رودخانه فطورچای مالیات خواهند گرفت
سابقاً مأمورین يك تعدیاتی ب مردم میکردند و مالیه
هرسال با جاره میداد و آنها هم بجان برزگرها می‌انگازند
و آنها را آزار میکردند . این مالیات هم مالی می‌شود
با باقی است . چون هر قدر این مطالب توضیح داده شود
در موقع اجرا تولید اشکال نمیکند و آسانتر است .

وزیر مالیه - راجع بقسمت اول از سؤالاتی که
آقا فرمودند که اگر کسی جنسی را وارد می‌کند
در قصبه یا شهری و بک قسمتش را در آنجا مصرف میکند
و بک قسمتش را میخواهد ببرد جای دیگر مصرف کند .
مأمور مالیه باید می‌گیرد مجدداً مالیات بدهد . این
سؤال را در فراکسیونم گردید جواب عرض کردم
که در قانون اینطور پیش بینی شده که بیش از يك
دفعه مالیات گرفته نمیشود . حالا طرز اجرای این و
مسئله تفکیک را چه جور باید کرد که اشکالات پیش
نیاید این را خوب است بگذاریم ب نظامنامه که در آنجا
این دقتها خواهد شد . چیزی که میتوانم بشما قول بدهم
این است که ما مطابق همان اصل رفتار خواهیم کرد
و میخواهیم اجحافی بکسی ننهد . دلیلش هم همین
لا یحه است که آورده‌ایم اما راجع بقسمت طواحين
اینرا قبلاً گفتم تمام چیزهای که در مالیات اعلان نوشته
شده ما آمده‌ایم اینجا باسم مالیات ارضی گرفته ایم
طواحين و آب دنگ حق التجری اینها تمام از این میرود
راجع بمسئله میرابانه همانطور که عرض کردم بکجالی
که رودخانه متعلق بدولت است این حق چندی خودش
محفوظ است و در این مورد دولت مثل بک مالکی

می ماند . اما اگر غیر از این باشد بالطبع حذف خواهد شد .

رئیس - آقای افسر .

افسر - مقصود مخالفت کردن نیست فقط توضیحی است . که رفع اشکال میکند . عرض بنده یکی راجع به رابع است . که آنهم ملکی است پناه . چون اینجا مطالب از فضای کلمات و جعل معلوم میشود . در این قانون چیزی در آن باب نیست . که در قانون مالیات بر عایدات نوشته شده بود که این مالیات تعلق به اجناس اراضی نخواهد داشت حالا ملاحظه فرمائید . این نظر خواهد بود بآن قانون سابق و حال آنکه وقتی این قانون میگردد البته آقا قانون ملکی میشود . (وزیر مالیه - سؤال را تکرار کنید) عرض بنده یکی راجع به رابع بود - یکی هم اینکه نوشته شده بود مطابق این قانون و چون این قانون از میان میرود و عوض میشود البته این قانون جای آقا قانون پیش را خواهد گرفت . آنها خوب است توضیح فرمائید آفرود در کمیسیون فرمودید ولی اینجا هم لازم است فرمائید تا مطلب روشن شود .

انتظار (منبر کمیسیون) - عرض کنم یکی موضوع مراتع بود - البته همانطور که آقای وزیر مالیه توضیح فرمودند هر چیزی که در مالیات ارضی باشد چه مرتع و غیر مرتع مطابق این قانون ملکی می شود مگر مراتعی که خالصه مختص دولت باشد که از آن حقتش را خواهد گرفت . اما قسمتی را که فرمودید راجع به مالیات بر عایدات در اینجا شرحی هست که تفکیک میکند مالیات ارضی و مالیات بر عایدات را . مالیات بر عایدات مطابق قانون خاصی از این چیزها گرفته نمیشود . این قانون وقتی که آن قانون ملکی شد جانشن او خواهد بود تمام مراد او را هم شامل است و اشکالی که بنظر آقا میرسد البته رفع میشود .

رئیس - آقای امیر تیمور کلای .

امیر تیمور - بنده يك موضوعی را خیلی خوب تلفظ نشدم چون در ماده اول میشود در کلبه موضوعات

تذکر داد و مذاکره کرد . راجع به محصول ترباک و تباکو مطابق یکمقرراتی دولت رفتار میکند و مالیاتی گرفته میشود و بقیه دارم منظور دولت این است که چیزی از تباکو و ترباک علاوه بر آن چیزی که گرفته میشود اخذ نشود اما اینجا چون ذکر شده از کلبه محصولاتی که وارد شهرها و قصبات میشود دولت يك حقی می گیرد آنها از ترباک و تباکو و سایر اجناس که وارد شهرها میشود و بیکه مالیات مخصوص هم میدهند باز هم گرفته میشود پناه ۱

وزیر مالیه - از آقا می پرسم آیا الان ترباک و تباکو غیر از ناکسی که در موقع باندرل میدهند و غیر از آنچه که در موقع فروش بسیار فروش میدهد آیا باز میدهد یا نه می دهد ایی حالا میدهد در صورت ملاحظه فرمائید میدهد بروید اوراق ممیزی را نگاه کنید در آنجا بنویسد اینقدر محصول ترباک اینقدر تباکو . بنابراین آن مربوط به این قانون نیست برای اینکه الان هم دارد این مالیات را میدهد . شما که الان مالک يك ملک هستید بهمان اندازه که گندم و جو و سایر حیوانات را حساب می کنید همینطور هم موقع ممیزی ترباک هم اگر داشته باشد حساب می کنند منتهی در این دو مورد بخصوص که ترباک و تباکو باشد چون خریدار مؤسسه دولتی است ترباک را مؤسسه دولتی میخرد و می آورد . آن مالیات را خواهد پرداخت و در پرداخت این مالیات حرقی نیست .

رئیس - آقای طباطبائی بروجردی

طباطبائی بروجردی - آقای وزیر مالیه فرمودند در اوراق ممیزی ترباک مالیات میدهد مالیات و مفتح ممیزی اشکالی ندارد همه موافقیم و حاضریم ولی ترباک در اوراق ممیزی مالیاتی اضافه نمیدهد و برایش حساب نشده است (افتاد - چرا) اجازه فرمائید . عرض کنم در مالک که حساب کرده اند مالیات بدهد در مالک زراعتی . گندم دارد باغ دارد ترباک هم دارد باعتبار اینها يك مالیاتی وضع شده است نه این که برای ترباک يك مالیاتی وضع شده باشد و به علاوه دولت از ترباک چه بمنوائ باندرل و چه بعنوان خروج از مملکت چندین مقابل

باضاعف مضاعف دارد از مالک مالیات میگیرد . بنابراین دیگر این مالیات اینجا مورد ندارد !!

وزیر مالیه - عرض کنم واقعاً جز این که بگویم توجهی به موضوع نشده است چیزی دیگری نیست و در فرمایشاتی که آقای امیر تیمور کلای اول و نماینده محترم بروجرد بعد فرمودند معلوم میشود هیچ توجهی به موضوع نشده امروز مالک دارند این محصولات ارضی از بابت تمام چیزهایی که در ملکش عمل میآید عایداتش حساب شده و از آن صدی سه و نیم گرفته می شود مگر بنده گفتم مالیات ترباک هست مگر مالیات گندم هست . مگر حالا می خواهیم مالیاتی وضع کنیم ؟ اگر در ممیزی را ملاحظه کنید نوشته شده گندم این قدر جو این قدر شلتوک این قدر ترباک هم اینقدر آنوقت همه این محصولات راجع میکنند و میگویند مالک صدی سه و نیم بدهد . این یکی ثانیاً عرض کردم اینکه نوشته شده محصول را پس بخرند چون در قسمت ترباک مخصوصاً در سال آبی و امسال هم يك قدری بوده است ولی مخصوصاً در سال آبی ما خریدها را در سرا کز این کار خواهیم کرد و نوتون را هم همین طور مؤسسه دولتی میخرد وقتی که او میآورد البته ما پای او حساب خواهیم کرد و خواهیم گرفت . ما که نمی رویم ببینیم مالک کیست . ما مالیات را از کسی میگیریم که می آورد در بازار و میخواهد بفروشد . ما مالیات را از او می گیریم و چاره هم نداریم و الا بنده باید به بینم که بین ترباک و گندم بین ترباک و شالی چه تفاوتی هست . من صدسه از آن و صدسه از این میگیریم . اما میفرمایند با این تا کسی زیادی که از ترباک گرفته میشود باز میخواهد از مالک بگیرد اما ما از ترباک کس میگیریم از شما که نمی گیریم . بنده از باندرل و از کسی که ترباک میکند میگیریم از جنابمالی که ترباک میل نمیکردند نمی گیریم .

رئیس - پیشنهادات قرائت میشود .

پیشنهاد آقای افشار

اصلاح ماده اول را بقرارداد پیشنهاد می نماید

ماده ۱ - از تاریخ اجرای این قانون مالیات هایی که مطابق قانون مالیات املاک اربابی و دواب گرفته میشود ملکی و بجای آن بترتیب مقرر در مواد دوسه مالیات از عایدات گرفته می شود .

پیشنهاد آقای امیر تیمور کلای

پیشنهاد میکنیم در ماده اول بعد از کلمه مالیات ارضی و دواب اغنام و احشام هم اضافه شود .

پیشنهاد آقای دکتر طاهری

پیشنهاد می شود در ماده اول نوشته شود از تاریخ اجرای این قانون مالیات ارضی و قنوات و طواحین و دواب و اغنام و احشام ملکی تا آخر .

رئیس - ماده دوم قرائت میشود .

ماده دوم - مالیات از عایدات مذکور در ماده فوق بتدریجی که محصولات ارضی و حیوانات و مواد حیوانی داخله برای مصرف بشهرها یا قصبات وارد و یا از مملکت صادر میشود وصول و از فرار سه در صد قیمت جنسی خواهد بود که وارد شهر یا قصبه و یا از مملکت خارج میگردد هر جنس فقط يك مرتبه مالیات خواهد پرداخت

رئیس - آقای طباطبائی دیبا

طباطبائی دیبا - حقیقتاً محضات این لایحه باندازه ایست که صحبت زیاد لازم ندارد و بعد از تصویب این قانون حقا می توان گفت که مالک و رعیت از این مالیات که خود دولت هم متوجه معایب آن بوده راحت شده اند از این جهت مخلفی در اساس نیست ولیکن در ماده دو که خوب است آقای وزیر مالیه توضیحی بدهند راجع با اجرای این ماده که موکول بنظامنامه شده است که بتصویب هیئت وزراء خواهد رسید . لکن اجرای این ماده بچه فریب خواهد شد . مثلاً در دروازه ها یا بیرون شهر ها و قصبات مأمورینی از طرف وزارت مالیه تعیین میشوند که هر بار بیاید آنجا قبضان میکنند بارها را و آنوقت صدی سه میگیرند ؟ ! اینطور میکنند یا اینکه قبلاً

ممکن است مالیاتش را بدهد و همینکه دم دروازه رسید رسیدش را نشان بدهد و بارش را وارد کند مثلا بنده صد خروار برای فروش گندم سفارش داده ام برای فروش میآورم بنده قبلا سیمد تومان بوزارت مالیه از پایت مالیات میدهم و جواز هم را میگیرم مثل تصدیق صدور باشد که يك بورس علیحده هم علاوه باز کنند برای تصدیق ورود و نظوری باشد که گاهی زنی کند و گاهی منزل . خواستم مخصوصاً آقای وزیر مالیه توضیح بدهند که این مالیات در دروازه ها یا شهر ها و قصبه ها چنان میکنند و آنجا میگیرند یا اینکه قبلا هم میکنند است مالیات را بدهند آنوقت جنس خودش را (از گندم و حبوبات یا هر چه باشد) وارد و وارد کند و بفروشد.

وزیر مالیه - بنده حقیقتاً دست قهیدم که مقصود چیست فرمودند ممکن است جواز ورود پیدا کند و يك بورس علیحده پیدا کند اینجا گفتگو از جواز ورود نیست . بنده عرض میکنم جنس وارد قصبه یا شهری میشود مالیاتش را بفلان مرجع معین می پردازد و بیرون بی کار خودش و تمام میشود . دیگر جواز لازم ندارد . باید همانوقت پردازد . اینکه فرمودند قبلا پردازد بنده قهیدم بنی چه . این عملی نیست یکجا برود پردازد . بنده بکجه چو عاقلی نمی بینم که تمام آن جنسی که در انبار دهی دارد پنهان اینک بتدریج بد حمل کند بشهر و بفروشد یکمرتبه باید قبلا مالیاتش را بدهد . (دیبا - برای اینکه راحت شود) چرا اغراق میفرماید . راحت شدن از دست مأمور کدام است ؟ مالیات در شهر نمیپردازد میگوید قبلا بدهد بنده اگر يك همچو عاقلی هم باشد چون کارش را عاقلانه نمیتوانم مقرراتی برایش وضع کنم بهر حال مقتضی است در موقع ورود بشهر یا قصبه پردازد

رئیس - آقای دکتر طاهری .

دکتر طاهری - البته آقای این مالیات که اصطلاح زیادی داشت بین مردم و مأمورین یکی از موقوفاتی است که بنده در درجه اول تریکس را عرض میکنم که در زمان تصدی شان آقای وزیر مالیه موافق شدند

سابقه ندارد و خدای نکرده ما می خواهیم يك جور هائی عمل کنیم همانطور که ایشان تعبیر کردند عرض کنیم اولاً دستگاه وصول جدا گانه درست نخواهیم کرد علاوه بر دستگاهی که الان برای وصول عواید بلديه هست . و یکی از محاسبات کار هم همین است منتهی قدری ما این دستگاه بلديه را تکمیل میکنیم و دیگر دستگاه علیحده درست نمیکنیم . بعلاوه ما نمی آئیم دم دروازه جا تاسیس کنیم و اجناسی که وارد میشود تقویم کنیم . ما مطابق همان اصلی که اینجا نوشته ایم تعرفه را هیئت وزراء تعیین خواهند کرد و میخواهیم بساده ترین شکلی که ممکن باشد این را اجرا کنیم فرضاً فلان جنس معین باید خرواری فلانقدر بدهد در آن تعرفه در آن اظهارنامه اجرائی در نظر گرفته خواهد شد که هر بار الاغی فلانقدر محسوب میشود برای اینکه دیگر در هر مورد بتاقیم وزن کنیم به بینیم بارش بیست من است بیست و پنج من است یا سی من . البته ممکن است يك موردی باشد برای اینکه کسی مالیات پنج من را بدهد قدری سنگین تر بار کند یا برعکس ولی ما میخواهیم هر مورد را تقویم کنیم و وارد آن دستگاه شویم از طرف دیگر علاوه بر آنکه تقویم مطابق تعرفه میشود اجرای امر مطابق عمل خواهد بود که الان بلديه ها عمل میکنند دستگاه هم همان خواهد بود برای اینکه بطوریکه آقایانهم اطلاع دارند غیر از طهران در سایر نقاط ایران مأمورین مالیه هستند که عواید بلدی را هم وصول می کنند حالا هم همان کار را خواهیم کرد و چون مالیه هم خودش يك علاقه بیشتری پیدا کرده يك قدری کنترول بیشتر خواهد کرد و کاملترش خواهد کرد بنا بر این نه يك خرج زیادتری برای ما خواهد داشت و نه يك مشکلاتی آنطور که تصور کردید تولید خواهد کرد.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است .
رئیس - ماده سوم قرائت میشود .
 ماده ۳ - تعرفه مالیات اجناس مصرف داخلی

مشمول این قانون بر اساس سه در صد قیمت به تناسب وزن یا تعداد و بطور مقطوع برای هر سال معین میگردد . تا اول اسفند هر سال تعرفه سال بعد بتصویب هیئت وزراء رسیده و اعلان خواهد شد
 مالیات اجناس صدوری بریال تفره گرفته میشود
 نظامنامه اجرائی مواد فوق بتصویب هیئت دولت خواهد رسید .

رئیس - آقای دکتر طاهری
دکتر طاهری - البته مذاکراتی که اینجا میشود برای این است که تبادل فکر بشود و يك توضیحیاتی در اطراف مطالب بشود بنده خواستم سؤال کنیم که اینجا می نویسد قیمت را از روی تعرفه هیئت دولت معین می کنند همبشود که در کابینت مذاکره شد قیمت اجناس در ایام سال مختلف است حالا خوب است که در ظرف سال دو تعرفه یا سه تعرفه چهار ماه یکمرتبه معین کنند (وزیر مالیه - اینجا که مخالفتش را نوشته ایم) با يك تعرفه که از روی قیمت تمام عرض سال معین کنند اینجا نوشته اند بطور مقطوع برای هر سال معین میشود اگر منظور این است که چند تعرفه معین شود ممکن است در قانون بنویسند را اگر مقصود این است که يك دفعه معین شود بنده تصور میکنم چون قیمت اجناس خیلی مختلف است بهتر این است که سه چهار ماه يك دفعه يك تعرفه معین کنند یا شش ماه يك دفعه یا اینکه دوازده ماه را جمع کنند و تقسیم به دوازده بکنند يك تعرفه معین کنند که قیمت عادلانه باشد و یکی دیگر اینکه اگر مردم خواهند شکایت بکنند مرجع نظام کجا است . مثلاً يك را برنی دادند و برای بزد يك قیمتی معین کردند چون اینجا خیابار سبز باری دو قران قیمت دارد و این را کسی باور نمیکند که این قیمت است بنا بر این برای آنجا قیمت زیادتری معین می کنند صدای مردم در می آید میخواهند شکایت کنند مرجع نظام کجا است ؟ کجا باید شکایت بکنند کی باید رسیدگی بکنند تجدید نظرش با کجاست میخواهیم عرض کنیم اگر شکایت

کنند این را در نظر گرفته اند یا خیر ؟

وزیر مالیه - اما راجع به نرفه همین عبارتی که بنده اینجا نوشته ام تعبیرش را همه جور میشود کرد و بهتر است که همین ترتیب باشد برای اینکه ابتدای عمل است و از این عبارت استفاده مختلف هم شده باشد تا اینکه اگر اشتباهی شده بود در دست کرد الان بنده عبارت را میخوانم : نرفه مالیات اجناس مصرف داخلی مشمول این قانون بر اساس سه در صد قیمت به تناسب وزن یا تعداد و بطور متلوع برای هر سال معین میگردد . آیا هیچ کس است که برای هر سال از اول تا آخر سال نرفه یکی باشد ؟ نکته است ممکن است اینکه میفرمایند باشد و خود بنده این مسئله را بطور متلوع نمیدانم اما مجال داریم تا دو ماه دیگر که برای سال آیه فکر میکنیم ممکن است شخصی فکر کند که بهتر است که به نوع تقسیم کند سال را دو قسمت کنیم سه قسمت کنیم و برای هر قسمت بکنم نرفه معین کنیم و در اینجا نگفته است که يك نرفه باشد یا بیشتر بنابراین بگذارید مطالعه کنیم که ببینیم کدام يك از این اقسام بهتر است . اما راجع به مرجع نظام از کمی از تصویب کتبه نرفه یا از تصدی وصول البته مأمور وصول که مطابق نرفه خواهد گرفت . هیئت دولت هم طبعی است وقتی میخواهد يك کاری بکند يك تحقیقاتی میکند هیئت دولت هر قدر که تصور کنید از زندگانی این مملکت می اطلاع است (و این راهم بنده خیال نمیکنم) باز هم بالاخره میدانند که خیار یا هر جنس دیگری در طهران غیر از آن قیمت دارد که مثلا در تاجیکستان ممکن است داشته باشد یا در جندق ممکن است داشته باشد و ممکن است که يك اجناس در بعضی از نقاط فوق العاده ارزان باشد یا در بکنقعه اصلا قیمت نداشته باشد البته اینها را دولت در نظر بگیرد . خوب حالا اگر آمدیم دولت نرفه را معین کرد و بعد هم تذکر دادند که آقا این نرفه اشتباه است و ترتیب از نداد خوب این چه راهی دارد این راه دیگری ندارد مگر اینکه استیضاحش کنند . مرجع دیگری بنده نمیتوانم معین کنم .

رئیس - آقای ملک مدنی .

ملک مدنی - بقیه بنده این لایحه ایقدر مهم است که اگر هر يك از نمایندگان در نوبت خودشان بخواهند اظهاراتی کرده باشند میورد نیست تفسیر وقت هم برای مجلس نیست زیرا همانطور که اغلب آقایان اظهار کردند حقیقه این یکی از توجهاتی است که اعلیحضرت همایونی نسبت باصلاح حال عمومی زارع و مالک کرده اند و همینطور است که در تمام قسمتها يك اصلاحاتی را در نظر گرفته اند و این قدم بقیه بنده يك اثرات زیادی در حال زراعت و وزارت خواهد کرد و باید دعا کرد که اعلیحضرت همایونی همیشه بدانی باشند برای اینکه روزی روزی ما مواجه میشویم يك اقداماتی که نامش برای عامه مفید و نافع است فقط در پایان عرض میخواهم بکنم را عرض بکنم راجع به تغییر قیمت جنس برای جلب توجه حضرت اشرف آقای وزیر مالیه و آن این است که اگر چنانچه دو قسمت سال را از نقطه نظر قیمت در موقع نرفه در نظر بگیرند این تأمین میکند هم نظر دولت را و هم نظر عامه را برای اینکه این تفاوت اگر باشد راجع بنده است و راجع به محصولات دیگر چندان تفاوتی راجع به صدی اول سال و آخر سال ندارد غلبه است که يك وقت قیمتی خیلی ارزان است و بر عکس یکوقت اگر وارد نشد قیمتش خیلی بالا میرود اگر سال را دو قسمت بکنند بقیه بنده (این از نقطه نظر سابقه است که عرض میکنم) یکی در فروردین ماه یکی در آبانماه زیرا ما تجربه داریم که ایندوماه در سال وضع قیمت غله و روحیه مردمان نشان میدهد در آبانماه اگر باران آمد میگویند محصول خوب است امسال و نرخ با این می آید و همینطور هم در فروردین آخرین قیمتی است که نرخ غله را نرفی میدهد و در آبانماه آخرین قیمتی است که بتزلز میکند بقیه بنده اگر این دو موقع را در نظر بگیریم و مناط تعیین نرخ قرار بدهیم خیلی نافع است و باید طوری باشد که اسباب زحمت نباشد

وزیر مالیه - تذکراتی که دادید البته در نظر خواهیم گرفت .

رئیس - آقای شاهرودی

شاهرودی - بنده در این ماده راجع به تعیین قیمت تصور میکنم اگر چنانچه هر اندازه ثابت باشد هم برای امور تجارتي وهم برای مردم بهتر باشد این است که بنده پیشنهادی عرض کرده ام اگر چنانچه تعیین قیمت را از روی قیمت سه سال قبل در نظر بگیرند بهتر است و تا سه سال ادامه داشته باشد که سابقه باشد بنظر بنده بهتر است .

مخیر - پیشنهادی فرمودید ممکن است خودتان شریف بیارید در کمیسیون مذاکره بفرمایید .

رئیس - پیشنهادات ماده سوم قرائت میشود

پیشنهاد آقای شاهرودی

مقام منبع ریاست محترم مجلس شورای ملی دامت شوکت بنده پیشنهاد میکنم که در قسمت اخیر ماده ۳ باین ترتیب اصلاح شود (تعیین قیمت اجناس برای اخذ صدی سه در هر محل باین طریق باشد که قیمت متوسط سه سال گذشته ملاک تعیین قیمت هر جنس قرار داده و ناسه سال ثابت باشد و مالیات اجناس صدوری بر مال نرفه دریافت شود)

پیشنهاد آقای کاشف

این جانب پیشنهاد مینماید که در جمله دوم از ماده ۳ بعد از عبارت بر مال نرفه جمله در محل فروش بعد از فروش اضافه شود .

رئیس - ماده چهارم قرائت میشود :

ماده ۴ - نسبت به بقایای مالیاتی که به موجب این قانون ملغی میشود و باز خرید مثال خاصگی ترتیب ذیل مقرر میگردد :

الف - از مؤدیانی که تا آخر شهریور ۱۳۱۴ ترتیب تصفیه حساب مالیات گذشته خود را طبق نظامنامه های وزارت مالیه ندهند تا آن تاریخ و جریمه ای معادل ربع بدهی علاوه بر جریمه قانونی گرفته خواهد شد

ب - از صاحبان خاصجات انتقالی که مثال ملک خود را تا آخر اسفند ۱۳۱۴ مطابق مقررات بلا خرید

نکند قیمت مثال بلاوه جریمه ای معادل ربع آن وصول خواهد شد .

رئیس - پیشنهاد ماده چهارم قرائت میشود

پیشنهاد آقای کاشف

این جانب پیشنهاد مینماید که جریمه مقرر در شق الف از ماده ۴ به ده درصد تقلیل داده شود

رئیس - آقای افسر

مخیر - اجازه میفرمایید بنده يك اصلاحی در ماده چهارم دارم . در قسمت ب در سطر دوم بنویسید : مطابق مقررات باز خرید نکند مقررات را استعدا میکنم آقایان بزنند نظامنامه های وزارت مالیه بنویسند که اشکالاتی اگر ایجاد میشود بهتر رفع شود

افسر - عرض بنده همین بود .

رئیس - ماده پنجم قرائت میشود :

ماده ۵ - این قانون از اول تیرماه (۱۳۱۴) بدووقع اجرا گذاشته میشود

اقتضای مالیاتی مخصوص ۱۳۱۴ که مطابق مقررات ذیل از تیر قابل مطالبه بوده مطالبه نخواهد شد .

رئیس - آقای افسر

افسر - البته گمان میکنم چون در قانون دخانیات و تریک سابقاً اینها پیشبینی نشده بود حالا هم در نظامنامه پیشبینی خواهند فرمود و محتاج به پیشنهاد نیست بجهت اینکه اجناسی که مالیاتش را داده مال آن وقتی است که مالیات داده است بعد از تیر اگر بخواهند بیارند اجناسی است که مالیات را داده است اینجا يك پیشبینی بفرمایند که مرتبه دوم مالیات نگیرند .

وزیر مالیه - بدبختانه این نمیشود بنده مجبورم يك تریخی معین کنم که تا آن تاریخ آن مالیات است و از آن تاریخ بعد این مالیات اعم از اینکه مالیات مال قبل جنس باشد یا نه چرا ؟ برای اینکه تشخیص این را در عمل بیابید ببینید که میشود عمل کرد یا خیر اگر کسی گفت این محصول مال سال قبل است بنده چه جور تشخیص

بدم خود آفتابان که میخواهند تماس باشد چرا در مواردی که این اشکالات را این تماس را نباید میکند باز میفرمایند باشد. و بعلاوه راه دارد این آدم میتواند عسولش را قبل از این تاریخ بیاورد بشهر.

رئیس - آفتابانی برود در شور دوم این لایحه موافقت دارند قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد.

۳- شور اول لایحه اصلاح قانون مالیات بر عایدات

رئیس - خبر از کمیسیون قوانین مالیات راجع باصلاح قانون مالیات بر عایدات

خبر کمیسیون

کمیسیون قوانین مالیات در جلسه ۱۵ آذر ماه ۱۳۱۳ لایحه نمره ۳۵۵۹۳ دولت راجع باصلاح قانون مالیات بر عایدات را با حضور آقای وزیر مالیه مطرح نموده عیناً تصویب شد و اینک خبر آرای شورای اول تقدیم میباید

رئیس - این لایحه پیشنهادی دولت فرالت میشود.

ساحت محترم مجلس شورای ملی نظر باینکه قانون مالیات بر عایدات مصوب آید ن ۱۳۱۲ تا پنجهزار ریال عایدات خالص را از پرداخت مالیات معاف کرده و این میزان معافت زده از حد ضرورت است و نظر باینکه قانون مالیات بر عایدات مابرای هر طبقه نمره مخصوصی مقرر داشته و این اختلاف نمره منگی بتعلق محکمی نیست و وزارت مالیه در مواد قانون مزبور تغییراتی لازم دیده و مواد ذیل را تقدیم میدارد.

ماده ۱ - از مجموع عایدات خالص شمولین قانون اخیر مالیات بر عایدات مصوب ۲۹ آبان ۱۳۱۲ در صورتی که سالانه از (۲۴۰۰) ریال نیالا باشد طبق مقررات ذیل مالیات اخذ خواهد شد.

۲۴۰۰	تا	۵۰۰۰	ریال يك	در صد از مجموع
۵۰۰۱	تا	۱۰۰۰۰	$\frac{1}{7}$	
۱۰۰۰۱	تا	۲۰۰۰۰	۲	
۲۰۰۰۱	تا	۳۰۰۰۰	۳	
۳۰۰۰۱	تا	۵۰۰۰۰	$\frac{3}{4}$	
۵۰۰۰۱	به بالا		۴	

اشباه کرده اند معنی ندارد تا بکلوری رفع کنند بدهند. میخواستم عرض کنم که این طرز وصول مالیات غیر زحمت و نا راحتی مردم نتیجه زیادی ندارد برای دولت و همانطوریکه دهاقین را ما میخواهیم راحت کنیم شهریارا باید رعایت بکنیم یکی دیگر اینکه معامله را قرینه مالیات گرفته ایم پس اگر کسی ده هزار تومان خریده ده هزار تومان فروخت این بیست هزار تومان معامله را حساب میکنند که بموجب قانون قبل صدی هشت قع آنرا همین کرده قع معامله که اختیارش بدست معامله گشته است بانک نیست که بگوید من متزبل را کمتر از صدی هشت نمی گیرم قع معاملات را نمیشود پیش بینی کرد دو طرف دارد ممکن است کمتر باشد یا بیشتر یا ضرر کند یا فایده ببرد این ترتیب همیشه اسباب اختلاف بین مؤدی و مأمور مالیه است و همیشه باید دست بده باشد در تمام سال و این خوب نیست و نظر بنده آن چیزی که ما همیشه ازش احتراز داشتیم و دچار ازش احتراز داشتند صرفه و صلاح است که در قانون نوشته شود و آن این است که دفاتر ثبت اسنادی پلمب شده باید داشته باشند و مالیه آن دفاتر را کنترل کنند که قلب نکنند. بلکه ممکن است دو قرم فرناً در دفتر قلب بکنند اما اینرا نمیشود ملاک کالی قرار داد که دفتر را کنترل نکنند در صورتی که کنترل دفتر از همه چیز آسان تر است دفتر پلمب کرده کمتر ممکن است قلب درش بکنند علی ای حال قبل از اینکه این لایحه هم باید بنده معتقد بودم که مذاکره بشود در طرز وصول مالیات بر عایدات زیر خود آقای وزیر مالیه از شکایت هالی که در مرکز راجع بوصول این مالیات میرسد ملاحظه و ابیات داهم که خودمان دیده ایم این باید اصلاح شود حالا که این لایحه آمد بنده عقیده دارم که در ایندوق اصلاح شود بعلاوه این حد نصابی را که قبلاً بود برای معافت مالیات یعنی تا پانصد تومان معاف بود و حالا باین آورده اند کمتر کسی است که فارغ باشد از اظهارنامه البته ممکن است گفت که هر کس ماهی بیست تومان عایدی دارد فلاقتدر بدهد ولی در عمل ملاحظه فرمائید چندتا کمیسیون لازم

است فلان عمله و بنام باید اظهارنامه بدهد وقتی مشمول زیاد شد نشر فاش هم بیشتر می شود یعنی بقا باید اظهارنامه بدهد و فلان عمله و مستخدم و پیشخدمت که بیست تومان حقوق دارد و بقیه بنده حد نصاب را خیلی پایین آورده اند بایستی یکصدی بالاتر برود که اشخاصی که عوائد جزئی دارند دیگر مشمول این کشمکش نشوند زیرا اظهارنامه آنها که مالیه قبول نمیکند اعتراض که مالیه بدهد او نمیتواند قبول کند طوری نیست که بتواند قبول کند بعلاوه این حد نصاب در شهرهای بزرگ و کوچک باید فرقی داشته باشد برای اینکه فرسآورد زندگی از زائر است اگر کسی بیست تومان عایدی داشته باشد عایدی متناهی است اما طهران بیست تومان که داشته باشد خیلی کم بقیه بنده در درجه اول حد نصاب را نوعاً خیلی پایین آورده اند و باید بالاتر باشد اقلاً مابقی سی تومان باشد که سالی سیصد و شصت تومان بشود و تا با اگر چنانچه این نظر نداشته باشد برای چندین ولایت و شهر مثل تبریز و مشهد و طهران و جاهالی که زندگی گرانتر است قانونی قابل بشوند و نا ااصولاً در تعیین مالیات آن موادی که راجع بقانون سابق است و باقی مانده است بنده با آن مخالفم.

ولیر مالیه - اینجا يك مطلبی را مخصوصاً نمی دارم آفتابان توجه کنند. مالیات بر عایدات خودتان تحدیق دارید در بین تمام مالیات ها منطقی تر و عادلانه تر فکری است که مالیات باید بدهند آنها باین فکری که ما داریم که اگر باشد کسی عایدی زیادی داشته باشد از صد تومان عایدی چهار تومان آن شخص کمک بکند بخزانة مملکت و این مالیاتی است که روز بروز در دنیا بیشتر اهمیت پیدا میکند و قطعاً آبه ایران همینطور خواهد بود که قسمت اعظم از عایدات دولت باید از این راه باشد مخصوصاً امیروزیر عایدات مردم هم بیشتر شود که از این راه کمک بیشتری بتواند بکنند و این مالیات اساسی است مسئله اصطکاک مأمورین را که بفرمائید با مردم این بکنند دارد که هیچ اصطکاک نداشته باشد و آن این است که هیچ مالیات ندهند و الا البته بکنند اشخاصیکه بایست بکچیزی را بدهند و بیک مأموری که باید

ماده ۲ - مواد (۷) و (۱۰) و (۱۳) و (۱۴) و (۱۵) ر تبصره (۱) ماده (۲۳) قانون مالیات بر عایدات مصوب ۲۹ آبان ۱۳۱۲ از اول فروردین ۱۳۱۴ ملغی و این قانون از همان تاریخ بهوق اجرا گذارده میشود.

رئیس - مذاکره در کلیات است. مخالفی نیست (خبر) آفتابانیکه برای ورود در شور مواد موافقت دارند قیام فرمایند. (اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده يك بوضعی که قرائت شد مطرح است. آقای دکتر طاهری.

دکتر طاهری - با این که مالیات بر عایدات عقلاً یکمالیات منطقی است برای اینکه کسی که از مزایای مملکت استفاده میکند و عایدی دارد باید بکچیزی هم بدهد فلسفه اش هم همراه خودش است لکن بنده میخواستم عرض کنم که این مالیات بر عایدات طوری که اجرا شده است این ملاک و مأخذ ندارد و از این جهت خیلی اسباب زحمت شده الان که شور در القام مالیات ارضی شد برای این بود که چون اصطکاک مأمورین دولت با مؤدیان مالیات زیاد است آقای وزیر مالیه خودشان هم تشخیص دادند در عمل که این اصطکاک میشود باینجهت مالیات ارضی را مشغول القاء کرده اند هستند در صورتی که مالیات ارضی بعد از مرزی از روی جزء جمع همین است و بدهی اشخاص قلم بقلم همین است و معذک باینکه ارقام همین بود چون طوری بود که باحاصل و مؤدی اصطکاک پیدا میکرد مقتضی دانستند که القاء شود و لکن این مالیات بر عایدات که الان اصلاح میکنیم این تشخیص اصلاً ملاک و مأخذ ندارد در قانون سابق تماس از روی فراتر بود و ازای قلمی مشکل است. از آنطرف مأمورین مالیه مکلفند که این مالیات را وصول کنند پس بطور قطع تمام مردم اظهارنامه میدهند که شاید احتیاطاً فلان مبلغ بدهند و در تمام سال که این مودی آخرش شش تومان میدهد یا نمیدهد بایستی در تمام سال متزلزل باشد این را به بند آنرا به بند این واسطه آن واسطه که آقا

بکم مبلغی را بگیرد البته مجبورند طبعاً مقابل شوند و چانه بزنند و با اختصاص که بدبختانه یکمده از مردم هستند که خیال میکنند اگر باشد يك پنجهزاري بدولت بدهند کمتر بدهند خیلی بهتر است و واقفان توجه میدهند که تکلیف مردم نسبت به مملکت از نقطه نظر مالی چه چیز است آدم چه وظیفه دارد باید کمک کند و وقتی که کمک کرد خودش استفاده میکند سعی میکند که بگوید من هیچ چیز نباید بدهم و هیچ عایدات ندارم یا خیلی کم دارم طبعاً آن دسته هم که مأمور وصول هستند باید آنطرف قضیه را بگیرند حتی بالاتر از آن حقیقت را تا اینکه یواش یواش اینها بهم برسند این اصل قضیه است چرا شما میخواهد همه کارهای مملکتتان اولك نسق باشد بکجور مطابق یکدیگر یعنی مثلا آقا تشریف ببرند با همان تاجر و کاسبی که باید عایدات او را در نظر گرفت و باید بهش صدمه نخورد میگویند که این جنس چند بنده زرقام ولی شنیده ام که اینطور است اگر اینطور باشد خیلی غریب است شما میروید بازار بکجایی را بشما میگویند ذریعی هشت تومان ولی بعد از نیم ساعت میرسد چهار تومان و نیم خوب این هست یا نیست؟ ... (بعضی از نمایندگان ... هست) این چه چیز را نشان میدهد این طبیعتی را که نشان میدهد باید بتدریج عوضش کنیم اما همه اینها نباید بضرر مالیه قبول کنیم ما می بینیم آن آدمی که طرفه هست با هر کس در روابط خصوصیش می خواهد بیشتر منفعت برد و در قسمت مالیات هم کمتر مالیات بدهد خوب حالا ما میگوئیم آنطرف چانه زنند یعنی هر چاه گفت پذیرد؟! لابد اینجور میشود این است که آدم آفت است باین طبیعت از جایی بگیرد که بعد از آنکه با هم کشمکش کردند اغلب میرسد بفقده که صحیح و فاده است این حقیقت امر است و این اصطکاک است منتهی آنچه ای که بنده میگویم و آقایان معتقد بودند که نباید اصطکاک داشته باشد کجا بود؟ دهان این مملکت بود جایی بود که مردم سواد ندارند و اطلاع ندارند و مشکل است برایش که مراجعه کند مگر شما این را فراموش کرده اید هنوز هم

که هست اینجا شهر است اگر يك حرف حسابی را هم بشواید زیر بار برود و بخیل خودش حسابی باشد هزار جاست بوزارت مالیه مینویسند هر چه میگویم که بیرون تفتیش است تشریف ببرید آنچه حرفتان را بزنید باز احتیاطاً بوزارت مالیه هم مینویسند پس همچو سکت نمی نشیند ما نباید با از نرس اصطکاک بیه عشق اینکه اصطکاک را هر شکلی که هست برداریم بیاییم اصل موضوع را خراب کنیم حالا که قبول کردید مالیات بر عایدات عادلانه است میفرمائید اگر قرائن را ماخذ نگیریم چه چیز را ماخذ بگیریم (یک نفر از نمایندگان - دفتر) باز میفرمائید دفتر گفتنش سهل است اولاً اینکه مؤدیان این مالیات منحصراً تاجران و کسبه نیستند تمام طبقات مردم هستند اگر فرض کنیم که ممکن است تاجران دفتر کافی داشته باشند برای همه مردم که دفتر نگاه داشتن ممکن نیست صرف نظر از اینکه برای کسبه و تاجران هم ولو اینکه قانون تجارت هم این الزام را کرده است بطور کلی يك عده نمی توانند دفتر داشته باشند بدلیل خیالی ساده سواد ندارند بقال منشی که نمیتواند بگیرد بهمین جهت در قانونی که در ۳۱۲ گذرانندیم اشکالی که در قانون اول بود رفع کردیم و مخصوصاً از برای کسبه خورده یا (که حتی در آلمان هم بنده خاطر می آید که این الزام را برداشته اند) ما آمدیم این الزام را نگذاشتیم برای اینکه میدانیم عملی نیست حالا با این وضع که اولاً تمام طبقات مؤدی نمیشود گفت دفتر داشته باشند و بآن طبقه هم که قانون گفته است بعد از تاجران شده يك استثناهایی قرار دهد ما بیسائیم و بگوئیم دفتر داشته باشد این یکی بعلاوه مسئله دفتر خیالی میکنند همیشه يك امر قطعی است میفرمائید اگر يك کسی آمد خواست نقلی کند بنده عرض میکنم اگر خیلی ها آمدند و این کار را کردند البته اگر دفتر يك دفتری باشد که بایب شده باشد و مهر شده باشد مطابق ترتیب نوشته شده باشد البته یکی از قرائن خیلی قوی است الان هم همینطور است الان هم اگر يك کسی بیاید بگوید بهوجب این دفتر من ندارم مگر قبول نمیکند؟ وقتی انسان نگاه

کند به بیفتد قرائن قبل قبول است قبول میکنند مالیه قبول نکرد که بیرون تشخیص رسیدگی میکنند می فرمائید قرائن را بگذاریم کنار و دفتر را بگیریم بنده عرض میکنم باین دلیل عملی نمی بینم نه دفتر را میشود عمده میت دادند در تمام موارد دفتر يك چیزی است که میتواند اطمنان خاطر قطعی بدهد آقا دیگران وقتی که میخواهند با وسائل زندگانی خودشان عایدات دیگری را تصور کنند روی چه حساب میکنند این قرائن را ما اختراع که نکرده ایم آنها ای که آمده اند این را گرفته اند می منطبق نبوده اگر شما امروز میخواهد ببینید عایدات فلان شخص چیست زود میتوانید تعیین کنید چطور؟ میگویند خانه دارد واهی صد و پنجاه تومان کرایه میدهد چهار فانوس و يك اتومبیل دارد خوب يك چنین زندگانی باید ماهی پانصد تومان اقل عایدات داشته باشد قاعده این است همه نان در زندگانی همین کار را میکنند ممکن است این آدم يك آدمی باشد لا ابالی و زندگانش را با قرض اداره کند بالاخره این دستگاه را که نمیشود همیشه با قرض اداره کرد موقوفه میشود اما دالماً نیست آقا سی سال کسی اتومبیل دارد و با قرض زندگانی میکند؟ آخر چنین چیزی معقول است؟ بنا بر این قرائنی که دیگران گرفته اند و ما هم گرفته ایم امری است که ماخذ تفاوت راجع بانخاص در تمام کارها و ارتباطات دیگر هم میشود چطور شده است حالا که مالیه آمده است این را ماخذ قرار میدهد يك کار بی منطقی کرده؟ و بعلاوه راهی بهتر از این نیست نه این است که راهی بنظر رسیده و ما صرف نظر کرده ایم شما میفرمائید بنده تمام این دستگاه قرائن را میگیرم و يك کبریت زیرش میگیرم و آتش میزنم اما شرط اینکه يك چیزی باشد محکمتر از آن قرائن اما اینکه آمدید و معامله را مثلا میزان قراردادید البته خود شما میدانید و يك چیزی اظهار کردید که بنده هم شنیده ام و گویا در یکی از ولایات این کار را کرده اند و بعد هم توضیح داده اند آمده است گفته است شما که تاجر هستید ده هزار تومان خریده اید و او را

فروخته اید از بابت خرید حساب بکنیم صد هشت مثلاً از بابت فروش هم حساب کنیم صدی نه مثلاً این مطلب البته بی معنی است برای اینکه خرید از برای فروش اصل معامله محسوب میشود و عایدات دارد و الا اگر جناب عالی از برای خودتان يك پارچه بخارید که کسی نمی گوید چون شما آمده اید ده ذرع پارچه خریده اید از قرار ذریعی هشت تومان هشتاد تومان عایدات دارید و مالیات بدهید اما اگر این جنس را خریده برای اینکه بفروشید چون يك قمی در موقع فروش شما میرسد قاعده پیش از آنکه یعنی که در موقع خرید شما برداشته ببارت اخیری چون جنس ارزانتر خریده و گرانتر فروخته يك فایده برده اید این تفاوت عاید شما شده پس معنی ندارد منطبق ندارد که بگویند از خرید اینقدر قع بریدید و از فروش اینقدر فایده بریدید حالا اگر يك فکر پیش غولی در يك گوشه مملکت میداشت خوب اینرا تذکر میدهند و رفع میشود عرض کردم چون اول اینکار است یعنی اول نیست از يك حبت چون از ۱۳۰۹ است تا حالا ولیکن چون بتدریج این اصلاحات شده است و تغییراتی درش پیدا شده و باین صورت در آمده است باین مناسبت شقوق و اشکالاتش هم زیاد است اگر شما بتوانی که در ممالک دیگر هست بخواهد نظری بیندازید واقعاً تعجب خواهید شد که چطور ما باین شکل در آوردیمش خیلی از آنها هم منطبق دارد ولی ما از آنجائی که خواستیم ساده باشد خواستیم خودمان را از آن شقوق خلاص کرده باشیم ولی اگر بخواهیم وارد آن بشویم چندین برابر آنچه که متحد المال و نظامنامه در ایمنیت کم راجع باینقاون نوشته ایم هست کتابهاست ولی هیچکدام از اینها فایده مانع از این شود که انسان حقاً و اضافاً بگوید که عادلانه ترین مالیاتها همین است مرجع هم دارد از شهری هم گرفته میشود بجهت اینکه هر جا میخواهد میتواند شکایت کند و بنده هر روز شاهد و ناظر این قضیه هستم که از برای یکمبلغی که ازش میخواهند و شکایت کرده است و در بعضی مواردش

بعد از آنکه رسیدگی شده است خود بنده هم رسیدگی کرده ام که این آدم کاسب مروفیکه بنده اسمش را نمیرم و واقفا همه می شناسیدش با آن مشتری های زیادی که دارد و واقفا عایدانش خیلی بیشتر از این است که تشخیص داده اند و آن اندازه که تشخیص داده اند دیگر هیچ نمیشود حرفی برایش زد و رسیدگی کرده اند باز هم همه روزه کاغذ مینویسد که آقدر عایدات ندارم و میخواهم عرض کنم که این غیر از اصطکاک فلان مأمور است با فلان دهاتی خیر توی شهر نشست و محضاً هر روز کاغذ مینویسد و کمیسیون هم هست و قیاس میکند پس باید سعی کرد هر جا بک اشکالی هست که اسباب زحمت میشود حتی الامکان آن را برداشت اما نه اینکه بشکلی حل کنیم که بدتر بشود اگر فرآن را برداریم بنده حقیقتاً نمیدانم چه چیز جایش بگذاریم کسی دیگر هم پیدا نکرد آقا اما اینکه بفرماید که حد ضابطه با این آورده ایم البته حد ضابطه با این آورده ایم برای اینکه این حد ضابطه وقتی که بیک قطب دیگر دنیا مقایسه کنیم باشد تومان را که گذاشتیم نسبت بنقاطیکه نمولکان از ما بیشتر است این حد ضابطه خیلی زیاد است یعنی عده کمی فقط مشمول این مالیات میشوند و اساساً باید مالیات را طوری گرفت که حتی الامکان از هر کسی چیز کمی گرفته شود تا از مجموعش چیز زیادی در پاید ناچار آمدیم دیدیم عواید متوسط در مملکت چه اندازه است یا صد تومان یا لا دیدیم عواید عده کمی است از عده کم خیلی مالیات وصول نمیشود بایستی یک کاری کرد که کمش کرد آمدیم دست تومان گرفتیم و بالاتر از دست تومان یک چیزی است که میشود ارزش مالیات گرفت ولی یک نظری اتخاذ کردند و اساساً آن نظریه نیست اگر خیلی بسط پیدا نکند در همه جا هم این ترتیب هست که باید نسبت بنقاط مختلفه مملکت فرق میگذازند همین نکته که اینجا ایشان فرمودند خیلی جاها اینکار را میکنند برای اینکه طبیعی است بنده دست تومان در طهران داشته باشم یا اینکه دست تومان در شاهرود داشته باشم فرق دارد بایست

تومان در شاهرود زندگانی معتدل خوبی میشود کرد در طهران نمیشود کرد اینکار را کرده اند ممکن است در کمیسیون هم تشریف بیاورید و این نظر را که عموماً همه جا میکنند و منطلق هم دارد آنجا مطالعه کنیم و الا باید با خواهیم دستش بزنیم بنده موافق نیستم برای اینکه مبلغ کسی است و البته ما هم در عمل با قساطر بگیریم یکمرتبه نخواهیم گرفت مثل اینکه الان هم همین کار را میکنم این اشیاء است آقا ممکن است مأمور مالیه در خارج نشود ولی در شهرها آن اندازه که ممکن باشد که آن اصل وصولان پیش دست نخورد عملاً یک کارهای میکنیم که برای طرف در کار سهیل باشد البته این کار را میکنیم یک کسی باید مالیات بر عایدات بدهد و بکمیانی است که بعضی را لان میدهند و بعضی را بعد این را دستور دادیم که همیشه قبول کنند و از آن وقت کنند اما اینکه خواهد بگوید من مالیات امسال را میخواهم سه ساله بدهم البته قبول نمیکند در یکسال میشود چون این مالیات را باید در طرف یکسال وصول کنیم فقط بندی میکنیم سهیل قائل میشویم و ترفی میکنیم که بشود بنابراین اگر آقا هم در این موضوع نظری داشته باشند ممکن است تشریف بیاورید کمیسیون و راجع بتغیر و ترتیب آن در نقاط مختلفه مملکت صحبت کنیم این را تذکره عرض میکنم خدمت آقایان که شود اول است و اگر آقایان واقفا یک نظریاتی داشته باشند عرض اینکه خیلی وقت مجلس را بگریزند و رفتی خودمان را خسته بکنیم تشریف بیاورند در جلسه کمیسیون و نظریات خودشان را بگویند اگر دیدند که در آنجا قانع نشدند در شور دوم نظر خودشان را بفرمایند .
 جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است .
 رئیس - پیشنهادی راجع بنده اول رسیده است .
 پیشنهاد آقای مؤید احمدی .
 پیشنهاد میکنم در ماده اول ۲۴۰۰ ریال تبدیل به ۳۶۰۰ ریال شود .
 پیشنهاد آقای کاشف .
 اینجانب پیشنهاد مینماید که رقم ۲۴۰۰ ریال مذکور

در ماده یک ۵۰۰۰۰ ریال تبدیل و بنابر شق اول یعنی ۲۴۰۰ تا ۵۰۰۰ ریال یک درصد از مجموع حذف شود .
 پیشنهاد آقای احتشام زاده .
 پیشنهاد میکنم تناسب تأدیه مالیات بر عایدات شرح ذیل منظور شود :
 ۲۴۰۰ ریال تا ۵۰۰۰ ریال نیم درصد از مجموع
 ۵۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ ریال یک درصد
 ۱۰۰۰۰ تا ۲۰۰۰۰ ریال یک و نیم درصد
 ۲۰۰۰۰ تا ۳۰۰۰۰ ریال دو درصد
 ۳۰۰۰۰ تا ۴۰۰۰۰ ریال دو و نیم درصد
 ۴۰۰۰۰ تا ۵۰۰۰۰۰ ریال سه درصد
 ۵۰۰۰۰ تا ۷۰۰۰۰۰ ریال سه و نیم درصد
 ۷۰۰۰۰۰ ریال چهار درصد
 رئیس - ماده دوم فراتر میشود :
 ماده ۲ - مواد (۷) و (۱۰) و (۱۳) و (۱۴) و (۱۵) و تبصره (۱) ماده (۲۳) قانون مالیات بر عایدات مصوب ۲۹ آبان ۱۳۱۲ از اول فروردین ۱۳۱۴ ملغی و این قانون از همان تاریخ بموقع اجرا گذارده میشود .
 رئیس - اشکالی نیست ؟ آقای دکتر طاهری .
 دکتر طاهری - در قانون سابق برای اطباء یک تغییر تا کسی داده شد و آن مبنی بر یک فلسفه بود که آقای وزیر مالیه مراعات کردند و نمیدانم چطور شده است که بنده منظور فرموده اند که این قانون که مالیات بر عایدات است از روی سرمایه گرفته میشود یعنی متناسب این است که عایداتی است از سرمایه که کسی دارد استفاده میکند و قدری میدهد بدولت چنانچه تاجری مثلا یک میلیون فروش است در سال صد تومان در دست تومان هزار تومان هم از این سرمایه که یاروت پیش رسیده است یا خودش پیدا کرده است و استفاده ارزش میکند و یک عایداتی میرسد بکسب هم بدولت بعنوان مالیات میرسد و ولی یک طبقه هستند که سرمایه شان عبارت از آن معلوماتشان است که یک عمری را برای آن تلف کرده اند و وقتیکه خودش از بین میرود دیگر چیزی ندارد یک دکتری که سالها

زحمت میکند و عمر خودش را برای استفاده دیگران تلف میکند این اگر در نتیجه معاشرت بدرض و اصطلاحی که با مرضی پیدا میکند مرض بد و مرد فردا دیگر چیزی ندارد بنده خیلی متأسف هستم که مقام علم و معرفت هنوز یک قدر و منزلتی ندارد (دارد آقا) و برای اطباء بنده معتقد هستم که مردم همیشه یک کلاه هالی دارند از اطباء در صورتیکه همیشه احتیاج دارند بنده با این بی اضافی که آقایان میکنند از شما بی رسم یک طبیب بیایور نشان بدهید (همه میده نمایندگان) (عده از نمایندگان چطور نیست ؟) در اروپا و جاهای دیگر هست ولی در ایران یک طبیب بیایور نمره اول پیدا کنید در صورتیکه در طبقه تاجر هست (صحبت بین نمایندگان - زنک و پس) شخص تاجر در سال صد هزار تومان قایده ببرد اهمیت ندارد ولی برای کسیکه عمرش را صرف کرده که خودش مأمورانی پیدا کند با اینکه مرد بهر آنجات بدهد از یک مخاطراتی (دشتی - و استفاده ببرد) چه استفاده برای اینکه سه شاهی حق الزحمه بگیرد این قدر اعتراض میشود بنفیدم بنده با حق باین طبقه یک رعایت و ارفاقی بشود (چند نفر از نمایندگان - چرا) زیرا که این طبقه هر چه که از شان مالیات گرفته شود آن ارفاق خودشان را نسبت به مرضی کم میکنند (صحیح است - بعضی دیگر - اینطور نیست) آقایان با همه اعتراضیکه باطبا دارند باز مجبور هستند از نقطه نظر حفظ جان شان در مواقع عدم صحت از شان نفی کنند (خدمت نمایندگان) زیرا احتیاج دارند و این مالیات را که وضع میکنند ارفاقشان را نسبت به مرضی کم میکنند و حق هم دارند کم کنند اگر حالا یک فقر و بی ضاعتی را بجایاً معالجه میکنند آنوقت که مالیات زیاد باید بدهند نمیکند بنده عقیده ام این است که بایستی نسبت باطباء ارفاقی کرد .
 وزیر مالیه - البته اشاراتی که بعضی از آقایان نمایندگان در ضمن فرمایشات نمایندگم عرض فرمودند حقیقتاً مزاح بیشتر داشت تا اینکه (دشتی - خبر چندی است) حالا بگذارید اقبلا اصلاح بدهم البته اطبا مردمانی هستند که زحمت

گشایدند و همانطور که فرمودند ۹۰۹ یا از برای خودشان یا از برای کسان خودشان بهشان احتیاج دارند و هیچ عقل اجازه نمیدهد که آنها را برنجاییم و او اینکه حفا هم در باطن حق و نجس و کلاه دامنه باشیم ولی راجع به استدلالی که آنها فرمودند بنده نمیتوانم موافقت کنم برای اینکه اول فرمودند مالیاتهای دیگر مالیاتی که از سرمایه گرفته میشود بعد اصلاح فرمودید که از عایداتی است که شخص متناسب سرمایه پیدا میکند و از آن گرفته میشود در اکثر موارد اینطور نیست و جز در قسمت تاجر که اغلب از اوقات یک سرمایه خیلی زیادی هم نیست عایداتی قوی کارش است یعنی واقعا فکرش است و زحمتش است و وقتش این است که این استفاده را میکند و الا سرمایه نیست و سرمایه این یک قسمت کمی است در آنچه که بکار انداخته است و بیشتر باعتبار زندگانی میکنند و روی فکر و تقیه خودی آن عایدات را پیدا می کنند حالا از اینکه گذشتیم فرضاً این طبقه تمام دارای سرمایه زیادی باشند و آن عایدات متناسب سرمایه باشد و ما هم از آن عایدات بیائیم مالیات بگیریم سایر مردمی که مؤدی هستند از شان مالیات گرفته شود بنده آقا مگر مالیاتی که از حقوق کم میشود برای سرمایه ام است تمام این مستخدمین دولت که حقوق میگیرند از سرمایه شان است و خیلی از اشخاص دیگر که کار میکنند و از آن کارشان عایدی پیدا میکنند و مالیات میدهند از سرمایه شان میدهند خوب حالا که بنای بر کار شد البته مقام علمی آقایان اطباء را بنده نمیتوانم منکر شوم ولی تصور میکنید که دیگران سواد ندارند مستخدمین دیگر دولت علم ندارند و همه شان یک اشخاصی هستند که چیزی سرشان نمیشود (بعضی از آنها - ایندکان - معلمین) معامین

بطوریکه آقایان میگویند واقعا معاومات ندارند بنا بر این بنا باید بگوئیم مالیات را بقناسب علم بگیریم هر که علمش بیشتر است مالیاتش کمتر است اینطور میشود آقا که بعضی بیسوادها باید مالیات بدهند (خنده نمایندگان) استدلال آنها را که بگیریم قدرش بکنیم این میشود که چون اطباء علمشان زیادتر است کمتر بدهند و هر کس علمش کمتر است بیشتر مالیات بدهد و بیسوادها بدهند این استدلال قابل قبول نیست و بنده خیال می کنم هم از نقطه نظر عمل ممکن است واقعا برای یک طبیبی در ضمن معاشرتی که با مرضی میکند یک وقتی خطری متوجه شود و از دنیا برود ولی این خطر از برای شوهر نیست شوهر این خطر را ندارد برای آنکسی که در یک کار خانه کار میکند خطر ندارد خیلی خطرش بیشتر از اطباء است ولی آنها چون از این طبقه هستند و میخواهند از طبقه خود تنزاع دفع کنند برای اینکه طبقه خودشان را یک طبقه بدانند که نخواهد مالیات بدهد بنده عقیده ام این است که اصراری نهرماید.

رئیس - پیشنهاد آقای کاتف قرائت میشود :

اینجانب پیشنهاد مینمایم بقصره یک از ماده ۲۴ قانون مالیات بر عایدات مصوب ۲۹ آبان ۱۳۱۲ الهام شود.

رئیس - آقایانیکه بورود در شور دوم این قانون موافقت دارند قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد.

۴ - تعیین موقع جلسه بعد - ختم جلسه

رئیس - کار دیگری در دستور نداریم جلسه آینده شنبه پستیم آخر ساعت هفت بود از ظهر (مجلس بخارج ظهر ختم شد)
رئیس مجلس شورای عالی - دادگر